



دست خطی از مرحوم آیت الله سید اسماعیل هاشمی درباره حدیثی از امام علی(ع)

دست خطی از مرحوم آیت الله حاج اقا سید اسماعیل هاشمی از جمله علمای پرفیض و از متاخرین حوزه درسی قم ...

دست خطی از مرحوم آیت الله حاج اقا سید اسماعیل هاشمی از جمله علمای پرفیض و از متاخرین حوزه درسی قم
مرحوم آیت الله حائری یزدی که درباره مراتب شکر مرقوم کرده و در ذیل آن نیز به بازگویی حدیث معروف صعصعه بن صوحان درباره فضایل حضرت علی(ع) پرداخته است.
آیت الله حاج اقا سید اسماعیل هاشمی بعد از وقایع نهضت امام(ره) در سال 42 به طور کامل در اصفهان مستقر و تکیه گاه و ملجایی برای مردم و دیگر روحانیون و مبارزین و انقلابیون تبدیل شد. فعالیت در سه دوره مجلس خبرگان رهبری و حمایت دائمی ایشان از ولایت و رهبری و انقلاب زبان زد است. ایشان سرانجام در سال 1378 در حین ادای وظیفه در مجلس خبرگان رهبری و در کنار مضجع نورانی ثامن الحجج (ع) دعوت حق را لبیک و دار فانی را وداع گفت.
نمونه دست خط مبارک ایشان در باب شکر و ذکر نعمات الهی با بیان حدیث معروف صعصعه بن صوحان که امیرالمومنین علی (ع) به زبان خویش اوصاف خود را بر می شمارد و آن را از باب ذکر نعمت می داند.
بسم الله الرحمن الرحيم

علما اخلاق و ارباب حکمت عملی برای شکر سه مرتبه ذکر نموده اند:

- 1- شکر قلبی است که انسان هر نعمت مادی یا معنوی که به او رسیده از جانب خدا بداند
- 2- شکر زبانی به گفتن الحمدلله یا شکرلله یا بیان نعمت و کتمان نکردن آن
- 3- شکر عملی که نعمت را در راهی که رضای خداست مصرف کند.

اما ذکر نعمت به عنوان خودبینی مذموم است چنانچه در حدیثی دارد صعصعه بن صوحان که از دوستان و مخلصین امیرالمومنین علیه السلام بود از آنحضرت سوال نمود شما افضلید یا آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد علیهم السلام؟ حضرت ابتداء یک نکته اساسی اخلاقی که برای همه به کار آید فرمود که تزکیه امرء نفسه قبیح یعنی خودستایی از انسان [خودش] زشت است. اما چون سوال کردی از باب شکر نعمت می گویم من از آدم افضلم چون آدم از جانب خدا نهی شد که از یک درخت در بهشت نخورد و در باقی نعمت ها آزاد بود با وجود این صرف نظر نکرد گرچه نهی تحریمی هم نبود و من در همه نعمتهای حلال دنیا آزاد بودم مع ذلک از لقمه نان جوئی تجاوز نکردم. از نوح افضلم برای اینکه نوح نفرین کرد به قوم خود و گفت: رب لا تذر علی الارض من الکافرین دیارا پروردگارا دیاری از کافران بر روی زمین باقی نگذار و من با اینهمه آزار که از مردم مخالف کشیدم لب به نفرین نگشودم و صبر کردم. از ابراهیم افضلم چون ابراهیم از خدا خواست پروردگارا به من بمنّا چگونه مردگانرا زنده می کنی. خطاب آمد آیا ایمان نیاورده ای؟ گفت چرا ایمان دارم و لی می خواهم قلبم مطمئن باشد تا آخر ولی من یقینم به مرتبه ایست که اگر پرده ها برداشته شود ذره ای به یقینم افزوده نشود. (لو کشف الغطاء ما از) ازدادت یقینا. از موسی افضلم زیرا موسی یک نفر از قبطیان را کشت، وقتی مامور می شود برای دعوت نزد فرعون برود گفت: رب انی قتلت منهم نفسا فاحاف ان یقتلون من یکنفر از آنها را کشته ام می ترسم مرا بکشند. برادرم هارون را با من بفرست و من این همه مشرکین را کشتم، سوره براءت از مشرکین را به تنهایی بردم و نزد جمعیت آنها خواندم و ذره ای ترس در دلم راه نیافت و از عیسی افضلم چون مریم در وقت ولادت عیسی مامور شد از بیت المقدس بیرون رود و من مادرم وقتی درد زائیدن گرفت از جانب خدا خطاب شد ادخلی، داخل خانه کعبه شو و دیوار شکافته شد و ولادتم با دعوت رسمی خدا در خانه کعب واقع شد.
اما وقتی به نام نامی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید که تو افضلی یا محمد صلی الله علیه و آله فرمود: انا عبد من عبید محمد صلی الله علیه و آله

/